

بازخوانی جامعه‌شناختی نظریه بلاو در شعر سیداشرف گیلانی (نیمی شمال)

محمود رنجبر^{*1}، علی صفائی²

(تاریخ دریافت: 25/4/93، تاریخ پذیرش: 8/2/92)

«من زبان دیگری خوانم که فهمانی بود» (سیداشرف)

چکیده

آثار ادبی نهضت مشروطه در دهه‌های اخیر به عنوان بخشی از مهم‌ترین اسناد جامعه‌شناسان برای تحلیل مناسبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوران معاصر مورد توجه قرار گرفته است. سیداشرف‌الدین گیلانی ملقب به نیمی شمال، نقش بارزی در روشن‌گری عصر مشروطه داشته است. کمتر تحولی در عصر مشروطه صورت گرفته است که سیداشرف درباره آن شعر نسروده باشد.

در این پژوهش با روش بینارشتهای کوشیده‌ایم تا در دو بخش، به بازخوانی نظریه جامعه‌شناسی تبادلی تلفیقی پیتر بلاو در فضای کلی شعر عصر مشروطه و سپس در شعر سیداشرف پردازیم. در بخش نخست با نگاهی اجمالی، محورهای کلان نظریه بلاو را در شعر عصر مشروطیت نشان داده‌ایم. در بخش دوم، گام‌های چهارگانه نظریه تبادلی را در سه بخش

*drranjbar@yahoo.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

به صورت موردنی در شعر سیداشرف واکاوی کردایم، برای کاربست این نظریه که تلفیقی از رفتارگرایی اجتماعی و واقعیت‌گرایی اجتماعی است، اشعار سیداشرف از آغاز جنبش مشروطه تا شکست آن و ایجاد حکومت پهلوی اول، در سه گروه اشعار تبدیلی انتقادی، اشعار تمجیدی سازمانبخش و اشعار خطابی تندییری قرار گرفته است.

هدف نهایی این پژوهش بررسی میزان اثرگذاری سیداشرف در جنبش مشروطه برپایه نظریه‌ای اجتماعی، برای نشان دادن ساختارهای پیچیده هم‌گروهی میان انقلابیون و مردم در دوره مشروطه است.

واژه‌های کلیدی: سیداشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال)، پیتر بلاو، شعر مشروطه، نظریه تلفیقی تبدیل، جامعه‌شناسی.

۱. مقدمه

شاعران دوره مشروطه با آگاهی از قدرت کلام و ادبیات، ضمن حفظ ساختار کلاسیک شعر، مضامین انتزاعی و مجرد هزارساله شعر فارسی را به کناری نهادند تا از آن به عنوان عنصری برای بیداری توده‌های مردم بهره گیرند. جامعه هدف بیداری در انقلاب مشروطه - مانند هر انقلاب دیگری - قشرهای آسیب‌پذیر بوده است. بنابراین، برای آگاه‌سازی آنان، رفتارهای ویژه‌ای از سوی روشن‌فکران و براساس واقعیت‌های دوره استبدادی عصر قاجار صورت گرفته است. بخش زیادی از این رفتارها مبنی بر صورت‌های بنیادی زندگی اجتماعی همان دوره، در شعر شاعران متجلی شده است. به‌زعم بسیاری از پژوهشگران، شعر مشروطه یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های دوران‌سازی است که از آن می‌توان به عنوان پایه بررسی سطوح رفتار اجتماعی در مبارزه با استبداد یاد کرد؛ زیرا «شعرای دوره مشروطیت از نظر منشأ اجتماعی طیف نسبتاً متنوعی را از عنصر اشرافی، اداری - دیوانی، روشن‌فکران، روحانی و غیرروحانی و عامه مردم تشکیل می‌دهند» (خارابی، ۱۳۸۰: ۱۲). این تنوع قشری روشن‌فکران و شاعران، انقلاب مشروطه را از لحاظ دارا بودن شاعران عصر خود، در ردیف نخستین انقلاب‌های جهان قرار داده است (ر.ک: همان‌جا).

در این پژوهش با شیوهٔ توصیفی و براساس نظریهٔ جامعه‌شناسی تلفیقی پیتر بلاو^۱ (1918-2002)، سطوح مختلف تحول تا انحطاط مشروطه را در شعر یکی از شاعران این نهضت اجتماعی در سه گروه: اشعار تبادلی انتقادی، اشعار تمجیدی سازمان‌بخش و اشعار خطابی تندیری بررسی کرده‌ایم.

مهم‌ترین دلیل واکاوی این نظریه در اشعار برخی شاعران عصر مشروطه، نشان دادن فضای کلی بازتاب سطوح رفتار اجتماعی مردم در شعر این دوره است. در بخش دوم پژوهش، روشن می‌کنیم که فرایند ارتباط متقابل اجتماعی سیداشرف، شاعری انقلابی و پیشتاز، با توده‌های جامعهٔ ایرانی و قشرهای مختلف مردم با همدیگر در یک ساختار اجتماعی در حال تحول چگونه است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین ایرادهایی که می‌توان بر چنین پژوهش‌هایی وارد کرد، نگاه تقلیل‌گرایانه به نظریه‌ای اجتماعی است. برای رفع این ابهام، تقسیم‌بندی دیگری شبیه به فراگرد چهارمرحله‌ای بلاو طراحی شده است تا بر این نکته تأکید کنیم که نظریه‌ها در فضای فرهنگی متفاوت به وجود می‌آیند و تصور کاریست تمام و کمال آن‌ها بدون جهت‌بخشی در مناسبات اجتماعی فرهنگی دیگر، چه‌بسا ناسازگار یا متناقض‌نما باشد.

1-1. چارچوب نظری بحث

طرح مسائل روز جامعهٔ عصر مشروطیت، آثار پدیدآمده این دوره را اسنادی مهم در تحلیل مناسبات جامعه‌شناختی معرفی می‌کند. خارابی با تفکیک دو وجه سیاسی و اجتماعی اشعار دورهٔ مشروطه، معتقد است: «تفکیک میان دو عنصر سیاسی و اجتماعی و به عبارت دیگر، حکومت و جامعه، رهابری انقلاب صنعتی و آثار و پیامدهای آن یعنی رشد بی‌سابقهٔ شهرنشینی و اجتماعی شدن کار می‌باشد» (1380: 16). از نظر وی، اشعار سیاسی عصر مشروطه، یعنی از دورهٔ تدارک نهضت تا زمان موفقیت نسبی آن (یا به‌تعبیری شکست) بیشتر حول این موضوعات شکل گرفته است: نابسامانی امور، عقب‌ماندگی، آرزوی روزگار گذشته، وطن، ملت، بیداری، مشروطه، سیر حوادث مشروطه، سرخوردگی از مشروطه، مداخله دولت‌های

استعماری، عمال بیگانه، ارتش، حق و حقوق و قانون، رفتار سیاسی، انجمن، احزاب، مجلس، نامنی و... (همان‌جا).

عناصر اجتماعی مشروطه نیز در برگیرنده این موضوعات است: مسئله ارضی و وضعیت روستاییان، کار، امکانات و تسهیلات زندگی، فقر و غنا، کار و کارگر، کارمندان و دستگاه اداری، اشرافیت، وضع زنان، علم و دانش (سی‌سوادی)، خواست‌ها و آرزوها، تغییرات، عقب‌ماندگی، نکوهش مردم، اعتیاد، اختکار و... (همان‌جا).

بسط نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی یا کارست مبانی نظری آن‌ها در آثار گروهی از شاعران یا یک شاعر مشخص، همراه بررسی تحولات مضمونی و اجتماعی سروده‌های وی از پژوهش‌هایی است که می‌تواند وجهه مختلف کاربردی یک نظریه را نشان دهد. در ایران، پژوهش‌های مختلفی با موضوع تحلیل جامعه‌شناسی صورت گرفته؛ اما تاکنون پژوهشی با موضوع کاربرد نظریه پیتر بلاو در شعر انجام نشده است.

از ویژگی‌های مهم نظریه بلاو برای کاربست آن در شعر نسیم شمال می‌توان به انعکاس چرخه معاملات تبادلی شخصی میان مردم، یعنی کنش متقابل و رودررو تا هنجارها و ارزش‌های جامعه پیشامشروعه و مشروطه اشاره کرد.

2. پیشینه و معرفی نظریه

نظریه تبادل تلفیقی بلاو شکل رشدیافتئه نظریه پردازان مکتب مبادله رفتاری یا مکتب رفتارگرایی² است. جورج هومنز³ پیتر بلاو و بی‌اف. اسکینر⁴ از جامعه‌شناسان برجسته قرن بیستم، با تلفیق رویکردهای روان‌شناسی به‌ویژه رفتارگرایی، شیوه جدیدی را در مطالعه عوامل تعیین‌کننده ساختار پیچیده اجتماعی طراحی کردند. آن‌ها با نقد آرای برخی جامعه‌شناسان، معتقد بودند نظریه‌های پیش از تبادل و جامعه‌شناسی رفتاری «موجودیت‌های رمزآمیزی را ساخته و پرداخته می‌کنند و جامعه‌شناسان را از پرداختن به تنها پدیده‌های قابل بررسی و عینی رفتار و عواملی که وقوع رفتار را کم‌ویش محتمل می‌سازند، دور ساخته‌اند» (ریتزر، 1386: 405). از نظر جامعه‌شناسان مکتب تبادل و رفتارگرایی، اصول بنیادین رفتار انسانی در سطح فرد و گروه‌های کوچک قابل بررسی است؛ حال آنکه بیشتر توجه بلاو و همکارانش معطوف به

بررسی این رفتارها در گروههای بزرگ‌تر اجتماعی و «تأثیر این رفتار در شکل‌گیری تمایز و گروه‌بندی اجتماعی» آن‌ها با جهت‌گیری ساختاری در حوزه فرهنگ است. آن‌ها بر این باور بودند که «فرهنگ یک اجتماع، از رفتارها ساخته می‌شود. برای فهم فرهنگ نیازی به مفاهیمی چون افکار و ارزش‌ها نداریم؛ بلکه به درک پدیده‌هایی چون پاداش‌ها و خسارت‌ها نیازمندیم» (همان‌جا).

تبادل دوسویه عمل و پاداش یا خسارت، مفهوم کلیدی مکتب تبادل و رفتارگرایی است. براساس این، انسان بر حسب آموزه‌های جبری، از آغاز تولد خویش می‌آموزد که باید در برابر محرك یا کنش‌های گوناگون واکنش‌های معینی نشان دهد. اگر واکنش وی با پاداشی خوشایند پاسخ داده شود، احتمال تکرار آن رفتار بسیار زیاد است؛ اما اگر آن واکنش برای او مجازاتی در پی داشته باشد، احتمال تکرار آن رفتار از سوی فرد کم است. رفتار انسان در این شرایط به واکنش‌هایی وابسته است که محیط به اعمال او نشان می‌دهد. جامعه‌شناسان مکتب رفتارگرایی بر مبنای این دیدگاه معتقدند بسته به نوع واکنشی که محیط به رفتار انسان بروز می‌دهد، می‌توان پیش‌بینی کرد که چه نوع رفتاری در آینده از انسان سر خواهد زد. معتقدان نظام جبری حاکم بر صورت نخستین نظریه رفتارگرایی را موجب سلب آزادی انسان می‌دانستند. خودمختاری برآمده از آزادی انسان‌ها در سایه پاداش یا خسارتی است که خود نیز تولیدشده رفتاری اجتماعی برای ترغیب جامعه خواهد بود. به عبارتی، جامعه‌شناسان مکتب رفتارگرایی با حذف مؤلفه‌های تاریخ، اقتصاد، مقررات، زبان، هنر و ادبیات که معرف و شناسنامه فرهنگی جامعه بهشمار می‌روند، اصالت هویت اجتماعی را نادیده می‌کیرند (علیخانی، 1383: 153). در حالی که کنشگر تابعی از رفتارهایی است که محیط برای او فراهم می‌کند و این رفتارها زنجیروار تابعی از دیگری است.

در وهله نخست می‌توان تصور کرد که این نوع رفتار تصادفی است. محیطی که یک رفتار در آن رخ می‌دهد، چه اجتماعی باشد چه فیزیکی، تحت تأثیر آن رفتار قرار می‌گیرد و این محیط متأثر از این رفتار به نوبه خود، به شیوه‌های گوناگون بر رفتار بعدی تأثیر می‌گذارد (ریتزر، 1386: 408).

جامعه‌شناسان تبادل رفتاری وجه انتزاعی و غالب در مکتب رفتارگرایی را دگرگون کردند و تعامل دوسویه محیط و انسان را حاصل کارکردی عینی بر شمردند. اما باید پذیرفت که

به گفته بیلز^۵، «من» (ego) حتی زمانی که انسان تنهاست، باز نوعی بازیگر اجتماعی است؛ زیرا موجودی اجتماعی شده که درباره خود می‌اندیشد، از خلال نقش‌ها و ارزش‌ها نشانه‌های اجتماعی اش را ظاهر می‌کند، به‌مقتضای این نقش‌ها، ارزش‌ها و نشانه‌ها در جست‌وجوی خویش است، راه خود را می‌جوید و می‌یابد، و عمل خود را تصویب یا محکوم می‌کند (ترابی، ۱۳۴۱: ۱۹۴).

۱-۲. نظریه تبادلی بلاو

آرای نخستین جامعه‌شناسان نظریه رفتاری انتقادهای زیادی را برانگیخت. به‌نظر متقدان، تحلیل جورج هومن از رفتار انسان بیشتر جنبه روان‌شناسی فردی دارد تا جامعه‌شناسی. مدتی بعد، پیتر بلاو در سال ۱۹۶۴م با انتشار کتاب *مبادله و قدرت در زندگی اجتماعی*^۶ برآن شد تا با بهره‌گیری از رفتارگرایی و واقع‌گرایی اجتماعی، کاستی‌های نظریه تبادلی را برطرف کند. بلاو نیز مانند هومن معتقد بود که مبادله تنها راه ارتباط فردی با فرد دیگر و در سطحی وسیع‌تر، افراد جامعه با یکدیگر است. اما او سطح ارتباط را یکسان نمی‌دانست؛ بلکه بر این باور بود که ارتباط دوسویه این معنا را نشان می‌دهد که برخی‌ها در مقام فروضت و برخی دیگر در مقام فرادست قرار می‌گیرند. کار مهم وی این بود که:

می‌خواست محدودیت‌ها و کاستی‌های نظریه تبادل هومن را که چندان قابل بسط به ساختارهای اجتماعی پهن‌دامنه نیستند، با تلفیق رفتارگرایی اجتماعی و واقع‌گرایی اجتماعی از میان بردارد تا از طریق آن بتواند به فهم بیشتر و گستردگر رفتار اجتماعی دست یابد (ریتزر، ۱۳۸۶: ۴۵۵).

وی معتقد بود مقصود اصلی جامعه‌شناسی در بررسی فراگردهای کنش مقابل، ساختن بنیادی برای فهم ساختارهای اجتماعی تکامل‌یابنده و نیز درک نیروهای اجتماعی پدیدارشونده‌ای است که تکامل این ساختارها را مشخص می‌کند (همان، ۴۳۵). به عبارتی، بلاو کوشید تا ساختار اجتماعی را برپایه تحلیل فرایندی اجتماعی - نه فرایندی بروایه رفتار روان‌شناسی فردی - فهم کند. «تمایل اصلی بلاو در تبیین همه امور اجتماعی از دریچه مبادله است و همه رفتارها مانند مبادله تبیین می‌شود» (ازاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۵۸). او مبادله را در چرخه‌ای بهنام «فراگرد تبادل» نشان می‌دهد. براساس این فراگرد، بیشتر رفتارهای بشری جهت

می‌باید و بر روابط میان انسان‌ها و نیز روابط گروه‌ها تسلط دارد. بلاو از چهار گام در این فراگرد نام می‌برد که از تبادل بینافردی و فرایند تبادل بین فرد و گروه آغاز می‌شود و به ساختار اجتماعی و سپس دگرگونی اجتماعی می‌انجامد. این چهار مرحله عبارت‌اند از:

گام اول: معاملات و تبادل شخصی میان مردم که می‌انجامد به ...

گام دوم: تمایز در منزلت و قدرت که منجر می‌شود به ...

گام سوم: مشروعیت و سازمان یافته‌گی که می‌پاشد تخم ...

گام چهارم: مخالفت و بروز تحول و دگرگونی.

براساس نظریهٔ تبادل تلفیقی بلاو، گام نخست شامل حضور آحاد اجتماع در گروه یا گروه‌هایی است که به پاداش منجر می‌شود. این پاداش منفعت متقابلی است که پیوند اجتماعی را نیز محکم می‌کند. در سایهٔ این منافع است که کنش‌های همگانی و متقابل نیز شکل می‌گیرد. اما اگر اعضای اجتماع یا گروه احساس کنند در جریان فراگردهای مشروعیت و سازمان یافته‌گی و معاملات تبادلی شخصی که برپایهٔ کنش متقابل شکل می‌گیرند، هیچ‌گونه پاداش یا منافع متقابلی ردوبدل نمی‌شود، رشتۀ پیوند آن‌ها سست و سرانجام از هم گسیخته خواهد شد (ر.ک: ریتر، 1386: 456).

3. بازخوانی نظریهٔ تبادل در اشعار عصر مشروطه

تحولات جهانی، انقلاب صنعتی در اروپا و بی‌کفایتی شاهان قاجار شرایطی را پدید آورد تا آزادی خواهان صدر مشروطه به‌شکل‌های مختلف برای بسط مفاهیم دموکراسی اقدام کنند. آنان برای نجات ایران از فلاتک، قحطی و شکست‌های پی‌درپی سیاسی و نظامی در قفقاز و هرات، بالا بردن دانش مردم را چاره کار می‌دانستند. در این راه مشارکت همه مردم و افزایش سطح مطالبات آن‌ها موجب فعال شدن دستگاه دیپلماسی کشور می‌شد. راه چاره نیز کوشش تک‌تک شاعران، روشن‌فکران، روحانیان و همه افراد در حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی بود. حرکت شاعران به‌تبع حرکت عمومی روشن‌فکران ایرانی صورت گرفت. آن‌ها از نیمه سال‌های پایانی حکومت قاجار با مطالعه و مشاهده پیشرفت‌های صنعتی و اجتماعی اروپا، زمینه را برای تحول عظیم در کشور با جنبش مشروطه‌خواهی فراهم کردند.

با شکست ایران از روسیه تزاری در نیمه اول قرن نوزدهم، جریان تند انتقاد از هیئت حاکمه شکل تازه‌ای به خود گرفت. پادشاهان قاجار خود را سایه خدا (ظل الله) می‌دانستند و مردم را رعیتی برمی‌شمردند که با تیغ شمشیر مملوک آن‌ها شده‌اند. فاصله بین مردم و حاکمان آن‌چنان بود که برخی اعضای حکومت خواربار و نیازهای عمومی مردم را خردباری و اختکار می‌کردند و با ایجاد قحطی مصنوعی، آن‌ها را به‌بهای سنگین می‌فروختند (بوشهری، ۱۳۶۵: ۱۳۳).

شاعران و نویسندگان با نشان دادن وضع رقت‌بار مردم در عصر قاجار، به‌دنبال آگاهی‌بخشی به آنان بوده‌اند:

ننگ باشد که تو در پرده و خلقی آزاد عیب باشد که تو در خواب و جهانی بیدار
(لاهوتی، ۱۳۵۷: ۱۳)

آنچه را که مجموعه اشعار این دوره به عنوان شاخه‌ای از «ادبیات سیاسی» اواخر عصر قاجار و آغاز مشروطه، پاداش رفتار مردم معرفی می‌کند، پدید آوردن قانون اساسی و شاید یک مشروطه پادشاهی بود (ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۲۶۰). از مجموع سرودهای دوره دو پادشاه قاجار، ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، روشن می‌شود که شاعران و روشن‌فکران با کاربرد تعاملات فردی به‌منظور آگاه‌سازی قصد داشتند تا با تمایز در منزلت و قدرت و با رهبری ساختار اجتماعی، مشروطه را عملی کنند.

از آنجا که حتی در آغاز مشروطه نیز تبیین مواضع مشروطیت و جریان تند تغییرات اجتماعی و سیاسی تفاوت‌هایی در نگرش به محتوای مشروطه پدید آورده بود، عده‌ای از علماء و شاعران دین‌دار هم‌زمان سه مسئله اسلام، مبارزه با حکومت استبدادی موجود و تحقق مشروطیت را مورد توجه قرار دادند؛ درحالی که رویکرد بسیاری از روشن‌فکران و شاعران به جنبه‌های غربی آن اشاره داشت. بنابراین، «مشروطیت اگرچه اشتراکی لفظی میان منورالفکران شاعران و علماء به حساب می‌آمد، اما آن زمینه اشتراک معنایی کامل میان این گروه از مشروطه‌خواهان وجود نداشت» (رضایی شریف‌آبادی، ۱۳۸۹: ۸).

این تفکر منشأ اختلاف نظریه‌هایی بود که نمودهای آن موجب بروز تنشی‌ها و سرانجام انحراف مشروطه شد. تبیین نشدن جایگاه اجتماعی مشروطه از سوی بانیان آن، زمینه‌ای شد تا در جریان تقسیم قدرت دین و سلطنت، نقش دین کم‌رنگ نشان داده شود. پس از به‌ثمر نشستن تلاش مشروطه‌خواهان و استقرار نظام مشروطه، این اختلاف بیشتر نمایان شد. برخی پژوهشگران عدم توازن قدرت در کارکرد دین و سلطنت را زمینه‌ساز اختلاف و درنهایت، شکست مشروطیت می‌دانند؛ زیرا:

مشروطیت با گرایش غربی آن بنا داشت تا ساختار کلاسیک این دو قدرت سیاسی و اجتماعی را بهم بزند و با محدود ساختن قدرت سلطنت و قدرت دین و روحانیون به قدرت تازه‌ای دست یابد. اما مشکل بزرگ نهضت مشروطه از لحاظ اجتماعی این بود که می‌خواست براساس همان ساختار دوگانه قدرت و اختلاف بین ملت به معنای دین و دولت به معنای سلطنت به چنین قدرتی یعنی حکومت قانونی و عرفی دست یابد (آجودانی، 1387: 172).

کسانی مانند شیخ‌فضل‌الله نوری، از روحانیان بانفوذ، مشروطه را مشروعه می‌خواستند و بهشت با جریان غربی آن مخالفت می‌کردند. سخنرانی مشهور شیخ‌فضل‌الله در میدان توپخانه تهران و انتساب مشروطه‌خواهان به فرقهٔ بابی و بهایی بازتاب خوبی بین برخی شورمندان انقلابی نداشت؛ تا جایی که در جریان همین تمایزات قدرت، سیداشرف نیز به این روحانی بانفوذ حمله می‌برد و او را به دشمنی با خلق و هدر دادن زحمات مجاهدان محکوم می‌کند:

دشمنی با همه ملت دارم	با همه خلق عدالت دارم
به حراج از همه دعوت دارم	از خود شاه و کالت دارم

یا در ادامه می‌گوید:

ور به پا گشته به گیلان محشر	گر ز اسلام بشد قطع اثر
هر چه شد، شد به جهنم به سقر	ور به تبریز ارس کرده مقر

(حسینی گیلانی، 1371: 86)

مسئله مهم این است که از آغاز تعاملات فردی برای روشنگری، شکل ناقصی از فرآگرد تبادل در دو سوی کارزار روشن‌فکران و حاکمان شکل می‌گیرد. به عبارتی، براساس اصل ششم⁷ نظریه تبادل تلفیقی بلاو، «هرچه هنجرهای مشروع در یک مبادله، کمتر تحقق یافته باشند، طرفین محروم، برای فتوادهی منفی علیه آن‌هایی که هنجرها را نقض کرده‌اند، مستعدتر می‌شوند» (اج ترنر، ۱۳۷۲: 355).

شاعران صدر مشروطه با انتقاد از شیوه عمل حاکمان و بیان مسائل اجتماعی مردم، به دنبال منفعت رساندن به آنان برای تحقق پاداشی اجتماعی به‌نام مشروطه بودند؛ اما از آنجا که «هنجرهای مشروع» در «لفظ مشترک مشروطه» در مبادله شاعر با شاعران دیگر و علماء با روشن‌فکران دیگر کمتر تحقق یافته بود، پاداش (ایجاد مشروطه) با تردید مواجه می‌شد. بنابراین، وقتی برای افراد (آزادی‌خواهان) پاداش‌های ناکافی وجود داشته باشد، رشتۀ هم‌گروهی سست می‌شود. از سوی دیگر، نظام (حکومت قاجار) به جای اینکه انتقاد را متوجه خود بداند، خویش نیز یکپارچه معتقد می‌شود و تیر انتقاد خود را نیز به‌سوی ملت نشانه می‌رود:

ناصرالدین‌شاه خطاب به حاج سیاح می‌نویسد: من سه سفر به اروپا کرده‌ام در هر جا چیز تازه‌ای بود با تشریفات مرا برد، نمایش دادند، شهرهای زیبا و مریض‌خانه‌های بزرگ دیدم [...]. برخلاف جاده‌های تنگ و وحشتناک مملکت ما که هنوز زنگ دلیجان به گوش می‌رسد، دیدم ترن از شکاف کوه‌ها عبور می‌کند [...] به سینماها و تماشاخانه‌های مجلل رفتیم. همه‌جا مملکت خودم را در نظر می‌آوردم که به جز خرابی و ویرانی و مردمانی پریشان و غوطه‌ور در کثافت چیزی ندارد (راوندی، ۱۳۷۴: 248).

گام نخست در نظریه تبادلی بلاو، تعاملات و تبادل شخصی میان مردم است. در این گام، هدف، آگاهی‌بخشی اجتماعی از طریق تبادل بینافردی است. شاعران دوره مشروطه با تأکید بر جنبه‌های روان‌شناختی جریان امور اجتماعی - مطابق آنچه در نظریه بلاو آمده - مردم را به تبادل بینافردی تشویق می‌کنند:

منم که در وطن خویشتن غریبم و زین	غريب تر که هم از من غريب‌تر وطنم
نه هر کجا که قدم می‌نمهم به کشور خویش	دچار دزد اداری اسیر راهزنم

در این دیار چه خاکی به سرتوانم کرد
به هر کجا که روم او فتاده در لجنم
(عارف، 1358: 296)

با تحلیل اشعار انقلابی شاعران مشروطه روشن می‌شود که این تبادل آغازین به ساختار اجتماعی و سپس دگرگونی اجتماعی منجر می‌شود. برای مثال، در اشعار ملک‌الشعرای بهار تبادل بینافردی و همنشینی فکری و اجتماعی دیده می‌شود که سرانجام، به پاداش افراد ملت می‌انجامد. بهار با تمایز بین منزلت و قدرت، با اشاره به ویژگی‌های مردم ایران، آنان را به «سازمان یافتگی» و پرهیز از عوام‌زدگی هدایت می‌کند. از نظر وی، بی‌توجهی به تعامل اجتماعی موجب کنار ماندن مردم و سلطانی لئیمان بر آنان خواهد بود:

داد از دست عوام	از عوام آن بد که رود به اسلام
داد از دست عوام	کار اسلام ز غوغای عوام است تمام
خواب مرگ ابدی	همگی خفته و آسوده ز نیکی و بدی
داد از دست عوام	به طین مگسی جمله نیایند قیام
عقل برخاسته زار	سنن و شرع کتاب نبوی مانده ز کار
داد از دست عوام	جهل بنشسته به سلطانی این خیل لئام

(بهار، 1368: 259)

شاعران برای برانگیختن مردم با یادآوری گذشتہ درخشنان، پهلوانان و پادشاهان اساطیری می‌کوشند تا به واسطهٔ عضویت در حرکت بهسوی پیشرفت، از منافع تمدن برخوردار شوند:

ای دل غافل بر احوال وطن خون گریه کن	خیز ای عاقل به این دست و دمن خون گریه کن
ای دریغا دستخوش شد کشور کاووس کی	آه و واویلا که عمر مملکت گردید طی
جای رطل جام می‌غولان نهادستند پی	جای بلبل تکیه زد زاغ و زعن خون گریه کن

(حسینی گیلانی، 1371: 421)

فرخی یزدی نیز برای تشویق مردم اشارات دقیق‌تری به وجوده عظمت ایرانیان دارد:

عید جم شله، ای فریادون خوبیت ایران پرست
مستبدی خویی ضحاکی سرت این خو، نه ز دست
حالیا کز سلم و تور انگلیس و روس هست
ایرج ایران سراپا دست‌گیر و پای بست
در ره مشروطه اقدام منوجهری کنی
به که از راه تمدن ترک بی‌مهری کنی
(فرخی، ۱۳۸۰: ۱۳۶۷)

با تشديد بیماری مظفرالدین شاه، زمینه برای حمله همه‌جانبه به حکومت قاجار فراهم شد. علاوه‌بر سروden شعر، ترجمۀ آثاری که به تشریح ظلم و تبیین حقوق مردم می‌پرداخت، شکل تازه‌ای از مبارزه با قاجاریه را رقم زد. کتاب‌های طبایع الاستبداد از عبدالرحمن کواکبی ترجمه عبدالحسین میرزا، حقوق و وظایف ملت و همدردی از میرزا اسماعیل مهدوی اصفهانی، شرف ایران و افتخار ایرانیان از شیخ‌هاشم کاظمینی و تاریخ سورش روسیه از خلیل‌بیگ لبانی ترجمه عبدالحسین رضوی کرمانی (ر.ک: ذاکر‌حسین، ۱۳۷۷: ۳۳) اطلاعات مفیدی از چگونگی آگاهی‌بخشی مردم به‌دست می‌دهند. عبدالرحمن کواکبی در کتاب طبایع الاستبداد می‌نویسد: حکمران مستبد در کارهای مردم همه‌جا به اراده خویش حکومت می‌کند، نه اراده ایشان و چون به تعدی خویش آگاه است و پاشنه‌های خویش برده‌ها میلیون نفوس گذارد که دهان‌هایشان بسته ماند و سخن گفتن از روی حق یا مطالبه حق نتواند (آدمیت، بی‌تا: ۳۲۶).

در جمع‌بندی بخش نخست بر این نکته تأکید می‌کنیم که براساس نظریه بلاو، ارتباط افراد جامعه با یکدیگر یکسان نیست؛ بنابراین همیشه در تعامل بینافردی برخی در مقام فرودست و بعضی دیگر در مقام فرادست قرار می‌گیرند. در عصر مشروطه، این تعامل فرادستی و فرودستی با آگاهی‌بخشی نشان داده شده است. روش فکران آگاه در مقام فرادست و عوام در فرودست جای می‌گیرند. به‌نظر می‌رسد پاداشی که از آزادی حاصل از مشروطه به‌دست می‌آید، برای هر دو یکسان باشد؛ اما «در این نوع مبادله بعضی بیشتر متفع می‌شوند و در مقابل، برخی هزینه‌های بیشتری را متقابل می‌شوند» (ریتزر، ۱۳۸۶: ۴۳۵).

از آنجایی که شاعران عصر مشروطه مبادله اجتماعی برای رسیدن به پاداشی معین (مشروطه و آزادی) را از دوره پادشاهی ناصرالدین شاه آغاز کردند، نظریه بلاو را می‌توان از آغاز این جنبش تا پیروزی مشروطه (پاداش) براساس چهار گام نخست برشمرده نشان داد؛ اما همین نظریه از تحقق انقلاب مشروطه تا شکست (تبیه) نیز در اشعار شاعران قابل بررسی است.

4. ساحت‌های نظریه تبادل در شعر نسیم شمال

سیداشرف‌الدین روحانی خوش‌شرب و بذله‌گویی است که زبان تن و نگاه نافذش را با نگارش هفته‌نامه‌ای در خدمت مردم قرار می‌دهد. وی اگرچه زاده قزوین است، در گیلان پرورش یافته.

بنده در قزوین به دنیا آمدم	بنده در قزوین به دنیا آمدم
مادتی در رشت بنمودم درنگ	مادتی در رشت بنمودم درنگ
رشتیان بر گردنم دارند حق	رشتیان بر گردنم دارند حق
(حسینی گیلانی، 1371:1371)	

این «مردم روشن‌دل و ساده‌طبع و آزادی‌خواه گیلان بوده که میدان به‌دست سیداشرف داد و وسایلی فراهم کرد تا روزنامه‌ای (هفت‌نامه‌ای) پدید آورد، مطابق ذوق مردم و روحیه مردم» (همان، 45). نشریه نسیم شمال از محدود نشریاتی است که در دوران مشروطه «بین سه تا چهار هزار نسخه فروش می‌رفت» (همان، 102) و مردم به‌سرعت اشعار آن را به حافظه می‌سپردنده، در مجالس رسمی و غیررسمی بارها می‌خوانندند و یکدیگر را تشویق می‌کردند تا به مسائل اجتماعی واکنش نشان دهند.

نسیم شمال ز شعر تو تمام تعریف می‌کنن
از زن و مرد مملکت زذوق توصیف می‌کنن
(همان، 172)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اشعار نسیم شمال نشان دادن ساده پیوندهای اجتماعی یا هم‌گروهی توده‌ها با روش فکران بر مبنای تعاملات فردی برای کسب آزادی و مشروطه است. این پیوندها تعارضات تمایز در منزلت و قدرت و سرانجام مخالفت و دگرگونی (شکست جنبش مشروطه) را نیز آشکار می‌کند.

۱-۴. طبقه‌بندی شعر نسیم بر پایه نظریه بلاو

در این بخش، فرآگرد چهار مرحله‌ای بلاو را در سه بخش خلاصه کرده‌ایم. همان‌گونه که در نظریه بلاو، تبادل بینافردی به ساختار اجتماعی و سپس دگرگونی اجتماعی می‌انجامد، اشعار نمونه نشان‌دهنده ویژگی‌هایی است که از ساخت فردی به ساختار اجتماعی و پس از آن سرنگونی مشروطه (اجتماع سیاسی) منجر می‌شود.

۱-۱-۴ اشعار تبادلی انتقادی

سید اشرف الدین مانند شاعران، نویسنده‌گان و سایر روشن فکران صادر مشروطه برای بهبود وضعیت بغنج کشور، به دنبال آگاهی بخششی به مردم برای کسب مظاہر تمدن بود:

ای جوانان روز روشن می شود از مدرسه شهر تهران باغ و گاشن می شود از مدرسه
(حسینی گیلانی، ۱۳۷۱: 729)

این شیوه همان است که بلاو آن را آگاهی و گرفتن تعهد از افراد برای حرکت به سمت ساختار اجتماع می نامد. در فرآگرد نخست، نظریه وی «معاملات تبادلی شخصی میان مردم» تعریف شده است. اشعار این بخش بیشتر بر کنش متقابل و مستقیم تأکید می کند. رویکرد سیداشرف در اشعار انتقادی با «هدف برانگیختن احساسات ملی و میهنه و ترویج آزادی های فردی و اجتماعی، طرد خرافات و اندیشه های سست و ناروا، پیکار با بیگانه و بیگانه خواهی، انتقاد سخت و بی رحم از نابسامانی ها و آشنا کردن مردم با حدود انسانی آنها» (صفایی، ۱۳۴۹: ۱۳۴) بوده است.

ای جوانان وطن نوزهالان وطن، می‌رود جان وطن
موقع دادرسی است روز فریادرسی است
دشمن از چهار طرف گرد ایران زده صف، ای پسرهای خلف
موقع دادرسی است روز فریادرسی است
... ای جنود علما پیشواید شما در چنین روز به ما
موقع دادرسی است روز فریادرسی است
وزرا ای وزرا تا به کسی چون وچرا دشمن آمد به سرا
موقع دادرسی است روز فریادرسی است
... کمکی ای کسبه، فرقه منتخبه ظلم کرده غلبه
موقع دادرسی است روز فریادرسی است

نسیم شمال برای ایجاد ارتباط «تبدل فرد با فرد» با افراد اجتماع پریشان، نوعی تجاهل‌العارف را به آگاهی از تعدی شاه نسبت می‌دهد. از نظر وی، گویا شاه بی‌خبر از اتفاق‌هایی است که در کشور رخ می‌دهد:

مملکت در خطر است	گوییا بی‌خبر از ملک، شه تاجور است
وین چه آشوب و چه فتنه است که در بحر و بر است	شه مگر بی‌خبر است
خائنان عصمت و ناموس وطن داده به باد	خائنان جماعت فریاد
غافل از کشور خود آن شه والاگهر است	شه مگر بی‌خبر است
از یمین وز یسار وز جنوب وز شمال	اغیان وز رجال
بهر سرقت همه را دامن همت کمر است	شه مگر بی‌خبر است
مستشار آمده از خارجه سوی ایران	دید ایران ویران

(حسینی گیلانی، 1371: 683)

سیداشرف از آنجا که با اجتماع مردم سروکار دارد - همان‌گونه که بلاو نیز می‌گوید - بدنبال کنش متقابل و رو در رو با تک‌تک افراد ایرانی نیست؛ بلکه می‌کوشد تا با انتقاد از فقدان یا آرزوی رسیدن به «هنجرها و ارزش‌ها»، انگیزه مردم برای گردآمدن و حرکت اجتماعی را فراهم کند. در پاره‌ای دیگر از اشعار در پیوند با محتوا، ساختاری متجانس از موسیقی مرثیه در شعر انتخاب می‌شود تا علاوه بر مضمون حزن‌انگیز، ساحت کلی شعر برای تهییج مردم فراهم شود:

ای در دهان گرگ اجل مبتلا وطن	از غرقه در هزار غم و ابتلا وطن
قریانیان تو همه گلگون قبا وطن	ای یوسف عزیز دیار بلا وطن
بی‌کس وطن غریب بینوا وطن	

(همان، 322)

1-4. اشعار تمجیدی سازمان‌بخش

در نظر شاعری مثل سیداشرف، مهم‌ترین مسئله آگاه کردن مردم است. در اشعار تمجیدی سازمان‌بخش، آنچه مورد توجه شاعر قرار می‌گیرد، آگاهی‌بخشی به مردم درباره هنجرهایی است که بیشتر جنبه عمومی دارند. از نظر وی، آگاهی مردم موجب پاداش‌هایی است که پس از آن روی می‌دهد. در اشعار آغازین سیداشرف که در شماره‌های نخست نشریه نسیم شمال چاپ شده است، نگاه ارزش‌مدارانه وی را می‌توان دریافت. وی در ترجیع‌بند «عقابت ایران» مجموعه‌ای از ارزش‌ها و پاداش‌ها را ترسیم می‌کند:

می‌شود دنیا به کام اهل ایران ای نسیم	می‌نماید هر مسلمان شادمانی ای نسیم
آفتتاب معرفت گردد در خشان ای نسیم	نورباران می‌شود این شهر تهران ای نسیم...
از معارف دور می‌گردد ز سرها و سوسه	می‌شود ایجاد در هر گوشه‌ای یک مدرسه
کودکان مشغول تحصیل حساب و هنرمه	نقشهٔ جغرافیا در دست طفلان ای نسیم

(حسینی گیلانی، 1371: 169)

سیداشرف نشان می‌دهد مردم با پذیرش ذهنی عضویت در جریان مشروطه، ضمن همراهی با آن، از منافع حاصل از تغییر رژیم برخوردار خواهند شد. مهم‌ترین پاداش‌هایی که در این شعر دیده می‌شوند، عبارت‌اند از:

1. بیرون کردن دشمنان از سرزمین ایران (دشمن اسلام از حسرت همی لب می گزد):
 2. افزایش معارف و علوم بین مردم با ایجاد مدارس (می شود ایجاد هر گوشه ای یک مدرسه):
 3. ازبین رفتن ظلم (ظالم فراری می شود):
 4. افزایش معنویت (مرد و زن لذت برنده از علم و عرفان):
 5. ازبین رفتن تفرقه و دشمنی ها (اب می نوشتند در یک چشم به باهم گرگ و میش):
 6. جهالت مردم ازبین می رود (می شود دیو جهالت کشته در گودالها):
 7. ایران به رشد صنعتی می رسد (نادر و هر علم و هر صنعت مهیا می شود):
 8. قحط سالی ازبین می رود (پس دگر قحطی نمی بینند در این شهر و دیار):
 9. صلح در جهان کهنه مستولی می شود (می شود دنیایی کهنه بعد از این دنیای صلح):
 10. دنیا به کام جوانان می شود (می شود دنیا به کام نوجوانان ای نسیم).

در ماجراهی حمله روسیه به ایران، اشعار تمجیدی سازمان بخش بیشتر دیده می‌شود. سیداشرف در «خواب مرگ» حمله دشمنان از چهار گوشه به خاک ایران را خواب مرگ می‌خواند: کنش متقابلای:

دشمنان حمله ور از چار طرف بهر شکار
بهر این لقمه شیرین همه مشغول به کار
نعره و هلهله بگذشت ز چرخ دوار
باز این ملت خوابیده نگشته بیدار
(همان، 218)

در بیشتر اشعاری که از جوانان یا قشراهای دیگر تمجید می‌کند، بر جنبه‌های کنش متقابل پیرای سازماندهی درجهٔ حفظ ارزش‌های اجتماعی تأکید می‌کند:

ای جوانان وطن بیوم همت است
ای خواهان دین امروز روز غیرت است
می‌رود ناموس آخر این چه خواب غفلت است
دشمن بیگانه آمد بر سر بالین ما
ای دریغا می‌رود هم مملکت هم دین ما
(همان، 412)

۱-۳. اشعار خطابی تنذیری

گاهی لحن سیداشرف تغییر می‌کند و سازماندهی و تشویق به انذار تبدیل می‌شود:

مملکت داریوش دست خوش نیکلاست	هان ای ایرانیان ایران اندر بلاست
غیرت اسلام کو؟ جنیش ملی کجاست	مرکز ملک کیان در دهن اژدهاست
(همان، ۱۴۸)	

سیداشرف نیز مانند بسیاری از شاعران و نویسندهای دوره قاجار، تشویق مردم به حرکت را به هر دو شیوه «آینده درخشنان» و «گذشتۀ پرافتخار» ترسیم می‌کند؛ تا آنجا که مهم‌ترین ویژگی بازخوانی ایران باستان در نوشهایها و اشعار مشروطه، توجه به تمامیت ارضی کشور بوده است. نیکوبخت و زارع معتقدند: «رویکرد شاعران به ایران باستان در این وجوده جلوه‌گر است: احیای هویت ملی، خوشبینی افراطی به ایران باستان، احساس حقارت دربرابر بیگانگان، اسلام‌ستیزی، انتقاد از اوضاع و احوال عصر، تحریک غرور ملی و شکستناپذیری» (۱۳۹: ۱۳۸۶).

۲-۴. بازتاب مشروعیت و سازمان یافتنگی در شعر نسیم شمال

با وجود اختلاف‌های فاحش آزادی خواهان برسر مفهوم مشروطه، وجود دشمنی مشترک بهنام نظام استبدادی و محمدعلی شاه قاجار، تقسیم ایران به مناطق تحت نفوذ دولتهای روس و انگلیس و... انگیزه‌ای می‌شود تا مشروطه خواهان از تمام ایزارها برای پیروزی بر آن‌ها بهره گیرند. مطابق اصل پنجم مبادله بلاو، «هرچه روابط مبادله‌ای بیشتر برقرار شوند، تمایل بیشتری برای اداره مناسب، توسط هنجرهای مبادله وجود دارد». سیداشرف در ترجیع‌بند «ادیبات»، با حمله به کسانی که زمینه را برای انحلال مجلس اول فراهم می‌کنند، مجلس را رکن اساسی ملت برای حذف ظلم بر می‌شمارد:

ظالم اگر کشد ترا ناله مکن امان مجو	میوه باغ معدلت در بر ظالمان مجو
بهر خلاص خود جز ره پارلمان مجو	
(حسینی گیلانی، ۱۳۷۱: ۱۸۱)	

سیداشرف در ادامهٔ شعر «ادبیات» پس از بیان ویژگی‌های مشروطه، مخالفت خود را با حکومت استبدادی محمدعلی‌شاه پس از به توب بستن و انحلال مجلس اول بیان می‌کند؛ زیرا هنجرهای مشروع مورد نظر انقلابیون کمتر تحقق یافته است؛ بنابراین مطابق اصل ششم نظریهٔ تبادل، «هرچه هنجرهای مشروع در یک مبادله، کمتر تحقق یافته باشند، طرفین محروم، برای فتواده‌ی منفی علیه آن‌هایی که هنجرها را نقض کرده‌اند، مستعدتر می‌شوند». از نظر سیداشرف، همهٔ جهانِ کفر کر است و ندای آزادی مردم ایران را نمی‌شنود، حتی شاه هم مانند گرگی است که فقط چشم طمع به آن دارد؛ پس باید ملت علم مخالفت و دگرگونی به دست گیرد (اصل سوم نظریه):

های گیله‌مردان ویریزید بلبل بینیشته دارسر
های سیم شهیل، کپور شهیل لشته نشا بازار سر
های سرخ‌ریشان بخوسید جغلان بشید کارسر
شاه ز مشروطه رضا می‌شود و نمی‌شود
گرگ به گله آشنا می‌شود و نمی‌شود
(همان، 182)

1-2-4. مخالفت و دگرگونی

نسیم شمال برای رساندن مردم به یک پیوند اجتماعی عظیم به منظور کسب پاداش‌های متقابلی که از مشروطه به دست می‌آید، به روشن گری می‌پردازد و وعده و اندار می‌دهد. به‌نظر می‌رسد بخش چشمگیر دیوان وی شامل رویکرد تشویق و اندار باشد؛ اما شرایط سیاسی و تحولات پس از استقرار اولیه با وجود مجاهدت‌های فراوان، به گونه‌ای رقم می‌خورد که او احساس می‌کند مردم «در کنش متقابل با یکدیگر هیچ‌گونه پاداش یا منافع متقابلی را ردوبدل نمی‌کنند» (ریتزر، 1386: 456). سیداشرف در این باره تردید خود را با پرسش گری طرح می‌کند:

نگو هرگز نمیشه های های	میشه دولت به ملت بازگردد
نگو هرگز نمیشه های های	به اهل مملکت غمخوار گردد
نگو هرگز نمیشه های های	شبیه نادر افسار گردد
سیا قرمز نمیشه های های	نگو هرگز نمیشه های های

(حسینی گیلانی، 1371: 34)

براساس نظریه تبادل تلفیقی بلاو، در صورت بروز چنین روندی، زمینه‌ای فراهم می‌شود تا «رشته پیوند در میان آن‌ها سست» و منجر به دگرگونی شود و سرانجام، عامل برتری غیراز آنچه پیش‌بینی می‌شد، قدرت خویش را مشروعیت بخشد و بی‌آنکه به ارزش‌ها و منافع غالب مردم توجه کند، از طریق انحراف پاداش یا منافع، مشروعیت خویش را به دست آورد.

سیداشرف در ترجیع‌بند « تقسیم طبقات » به عدم دست‌یابی منافع متقابل و گستاخ بین مردم اشاره می‌کند که سرانجام، به ظهور یک قدرت برتر و کنار زدن مردم و تلاش برای مشروعیت‌بخشی به خود می‌انجامد.

یک سلسله خائن بری از علم و دیانت
گفتند که ماییم نگهدار امانت
بر حفظ وطن ما بنماییم خمامت
کردند به این خاک بلا دیده خیانت
گشتند ز افراط طمع همدام اغیار
(حسینی گیلانی، ۱۳۷۱: ۳۶۸)

گذشته‌از اختلاف‌های بنیادین در مناسبات حکومتی در جریان نهضت مشروطه، پاره‌ای از خودسری‌های برخی مجاهدان زمینه را برای دگرگونی نهضت فراهم کرد. برای نمونه، یکی از مهم‌ترین نمودهای آن جریانی انحرافی است که در راه فتح تهران از سوی برخی مجاهدان در دور دوم استبداد صغیر صورت گرفت. مجاهدان به فرماندهی میرزا علی‌خان سالار فاتح کجوری، عبدالحسین خان معزالسلطان و چند تن دیگر از فرماندهان از گیلان برای فتح تهران حرکت کردند. آن‌ها در طول مسیر، در گیری‌های متعددی با نیروهای دولتی داشتند. در چهارمین درگیری خود با قوای محمدعلی‌شاه در قزوین توانستند این شهر را فتح کنند. با فتح پایتخت صفویان، اتفاق‌های پشت‌پرده‌ای صورت گرفت که موجب نگرانی برخی فرماندهان مجاهد شد. یکی از این اتفاق‌ها، ملاقات مسیو پرم در قزوین با ویس قونسول روس بود: که هدف آن ملاقات به کسی معلوم نشد، اما این نتیجه را داد که چند تن از سران مجاهدين را عصبانی کرد و همین ملاقات به ضمیمهٔ چند فقره کارهای ناهنجار که از مجاهدين سر زد، باعث شد که والیکو و پائف بلغاری و میرزا کوچک و چند نفر دیگر قزوین را ترک کنند و به حالت قهر به رشت بازگردند (فخرایی، ۱۵۱: ۲۵۳۶).

بازخوانی جامعه‌شناسی نظریهٔ بلاو در شعر سیداشرف ... محمود رنجبر و همکار

سیداشرف در شعر «تصیحت به مجاهدین سرسخت»، آن‌ها را از مخالفت‌هایی که به دگرگونی می‌انجامد، بر حذر می‌دارد:

بشوید یکره و یک‌دله	هله ای گروه مجاهدین
به نشاط و شادی و هله‌له	بله‌هد جان به راه وطن
طبقات مظلمه خوار شد	... هله مستبد به کنار شد
بگریخت دی ز مقابله	به وطن دوباره بهار شد
بکنید کوشش و جهد و جد	... بشوید همراه و متحد
همه را دچار به خستگی	... کند این نفاق و دودستگی
رسد از خصوصت داخله	به وطن هزار شکستگی
ز نفووس حیله‌ور الحذر	ز گروه فتنه‌گر الحذر، الحذر
شده در لباس مجاهدین	... چو بسا ز زمرة قاعده‌ین
ز مکالمات و مقاوله	مخورید گول معاندین
به نفوذ و قدرت مکالمه	همه حاضریم به بذل جان

(همان، 286)

برخلاف تلاش مشروطه‌خواهان، روز سوم اسفند 1299 سردارسپه که فرماندهی قزاقان تهران را بر عهده داشت، کودتا کرد و دو روز بعد، سید ضیاء‌الدین طباطبائی را به نخست وزیری کودتا برگزید. طباطبائی با تشکیل کابینهٔ خود و انتخاب افرادی که ژست انقلابی و جمهوریت داشتند، از احساسات مردم در روزهای پایانی مشروطه بهره گرفت و کابینهٔ سیاه را تشکیل داد. نخستین اقدام این کابینه، دست‌گیری رجال قوم و سران کشور بود. نسیم شمال در اشعاری که به این مناسبت می‌سراید، نشان می‌دهد که چگونه زحمات مجاهدان هدر رفته است:

ما گمان کردیم راحت می‌شویم	از خیالات استراحت می‌شویم
داخل اندر باغ جنت می‌شویم	واقف از قاف قناعت می‌شویم
خلق بیدارند و در خوابیم ما	بهر ملت از مخارج کاستیم
با هیاهو پارلمان آراستیم	چون وطن خواهان ز جا برخاستیم

رخت خوابی بهر خود پیراستیم

خلق بیدارند و در خوابیم ما

(همان، 789)

سیداشرف، دگرگونی به وجود آمده پس از استبداد و مشروطه را نیز معجونی عجیب می‌داند که در پیوند با اجتماع نیست. این معجون جمهوری است؛ اما بعد از دیدن «لوای جمهور» همه عزا گرفتند:

آخر ای هموطنان صحبت جمهور چه بود
اندرین مجلس غوغایی کرو کور چه بود...
هیچ معلوم نشد صحبت مشروطه چه بود
... فقر ای چون که شنیدند صدای جمهور
تا که آراسته دیلند لوای جمهور

در کف بی خبران مشعل بی نور چه بود
یا از این گفته جمهوری منظور چه بود...
لنگ اگر بود به حمام دگر غوطه چه بود
همگی سینه گشادند برای جمهور
شب تاریک گرفتند عزای جمهور

(همان، 712)

۵. نتیجه

بازخوانی اشعار سیداشرف‌الدین گیلانی براساس نظریه تبادلی پیتر بلاو نشان می‌دهد که سیر پدید آمدن نهضت مشروطه از فراگرد تبادلی در روابط بین فردی آغاز می‌شود و تا ایجاد مشروعیت و سازمان یافتنی به پیروزی مشروطه منجر می‌انجامد. ملت به عنوان افراد ذی نفع در تعاملات بین فردی، گرچه از همکاری خود سود می‌برند و تلاش آنها برای انقلاب مشروطه به نتیجه می‌رسد، نفع برابر به دست نمی‌آورند. این سیر از معامله برای ایجاد یک سازمان (نهضت) تا دگرگونی، شامل حوادثی است که سیداشرف به عنوان ناظری تیزبین وجوه هستی‌شناسی آن را از آغاز و با زبان طنز برای عامه شرح می‌دهد. شیوه اقتاعی نسیم شمال در اشعار طنز و سایر اشعار دیوانش که اغلب در هفت‌نامه نسیم شمال بازتاب یافته، سند ارزشمندی برای نشان دادن قابلیت‌های جامعه‌شناسی ادبیات است. نسیم شمال کنش‌های فردی منجر به پاداش تا بسط گروههای اجتماعی از طریق بسیج توده‌ها را در رفتار اجتماعی آنان نشان داده است.

پی‌نوشت‌ها

1. P. Blau
2. behaviorism
3. G. Humans
4. B.F. Skinner
5. R.E. Pales
6. exchange and power in life social

7. اصول هفت‌گانه مبادله بلاو عبارت‌اند از:

اصل اول: هرچه یک شخص در انجام فعالیت ویژه‌ای، نفع بیشتری از دیگری انتظار داشته باشد، احتمال اینکه آن شخص آن فعالیت را بروز دهد، بیشتر است.

اصل دوم: هرچه یک شخص پاداش‌های بیشتری را با دیگری مبادله کند، احتمال اینکه وظایف دوطرفه‌ای بین آن‌ها به وجود آید و مبادلات متعاقب را هدایت کند، بیشتر است.

اصل سوم: هرچه وظایف دادوستد یک رابطه مبادله بیشتر نقض شود، طرفین محروم برای فتواده‌ی منفی علیه آن‌هایی که هنجار دادوستد را نقض کرده‌اند، مستعدتر می‌شود.

اصل چهارم: هرچه پاداش‌های انتظارفته بیشتری از نشر یک فعالیت ویژه بیرون آید، فعالیت کمتر، بالارزش‌تر می‌شود.

اصل پنجم: هرچه روابط مبادله‌ای بیشتر برقرار شود، تمایل بیشتری برای اداره مناسب توسط هنجارهای مبادله وجود دارد.

اصل ششم: هرچه هنجارهای مشروع در یک مبادله کمتر تحقق یافته باشد، طرفین محروم برای فتواده‌ی منفی علیه آن‌هایی که هنجارها را نقض کرده‌اند، مستعدتر می‌شوند.

اصل هفتم: هرچه روابط مبادله‌ای بین واحدهای اجتماعی باثبات و متعادل‌تر باشد، احتمال اینکه سایر روابط مبادله‌ای نامتعادل و بیثبات‌تر شود، افزایش می‌یابد (ج ترنر، 1372: 355).

منابع

- آجودانی، مشاء‌الله (1387). *مشروعه ایرانی*. تهران: اختاران.
- آدمیت، فریدون (بی‌تا). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*. مجلس اول و بحران آزادی. تهران: روشنگران.

- آزاد ارمکی، تقی (1381). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سروش.
- اچ ترنر، جاناتان (1372). *ساخت نظریه جامعه‌شناسی*. ترجمه عبدالعلی لهسائی‌زاده. شیراز: نوید شیراز.
- بوشهری، جعفر (1365). *حقوق اساسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- بهار، محمدتقی (1368). *دیوان اشعار*. ۲ ج. تهران: توسعه.
- ترابی، علی‌اکبر (1341). «جامعه‌شناسی و حیات اجتماعی». *نشریه دانشکده ادبیات تبریز*. ش ۶۱. صص ۱۹۲-۲۳۰.
- حسینی گیلانی، سیداشraf الدین (1371). *جادوگانه نسیم شمال*. به کوشش حسین نمینی. تهران: علمی.
- خارابی، فاروق (1380). *سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه*. تهران: دانشگاه تهران.
- ذاکرحسین، عبدالرحیم (1377). *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*. تهران: علم.
- راوندی، مرتضی (1374). *تاریخ اجتماعی ایران*. ۸ ج. تهران: نگاه.
- رضایی شریف‌آبادی، محمد (1389). «آسیب‌شناسی نهضت مشروطه». *فصلنامه گنجینه استاد*. ش ۷۸. صص ۵-۱۱.
- ریترر، جورج (1386). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- صفائی، ابراهیم (1349). *نسیم شمال مجموعه سخنرانی‌های شعر در ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- عارف قزوینی، ابوالقاسم (1358). *کلیات دیوان*. به اهتمام عبدالرحمان سیف آزاد. تهران: علمی.
- علیخانی، علی‌اکبر (1383). *هویت و بحران هویت*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- فرخی یزدی (1357). *دیوان فرخی یزدی*. تصحیح و مقدمه حسین مکی. تهران: امیرکبیر.
- گیدنر، آنتونی (1384). *مسائل محوری در نظریه اجتماعی*. ترجمه محمد رضایی. تهران: سعاد.
- لاهوتی، ابوالقاسم (1357). *کلیات دیوان*. به کوشش بهروز مشیری. تهران: توکا.
- نیکوبخت، ناصر و غلامعلی زارع (1386). «از گیزه‌های توجه به ایران باستان در شعر مشروطه». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*. ش ۱۵. صص ۱۳۹-۱۵۳.